

تعامل ادبی با نگاهی بر بوستان معرفت شیمل و تذکره‌الاولیاء عطار

حمیده بهجت*

استادیار گروه زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۰، تاریخ تصویب: ۹۹/۱۰/۲۴، تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۹۹)

چکیده

تأثیرپذیری و همکنشی ادبی در بین اقوام و فرهنگ‌های مختلف همواره وجود داشته است. در این همکنشی، جهانگردان، خاورشناسان و ادیبان گامی مؤثر برداشته‌اند. از جمله این خاورشناسان می‌توان به آنه‌ماری شیمل، نویسنده، مترجم، خاورشناس، اسلام‌شناس و عرفان‌پژوه دوره معاصر اشاره کرد که ویژگی‌های شخصیتی - علمی او، چه در جهان اسلام و چه در غرب شناخته شده است. او بیش از صد مقاله و کتاب به‌رشته تحریر درآورده است. بوستان معرفت، یکی از برجسته‌ترین آثار اوست که از تذکره‌الاولیای عطار نیشابوری تأثیر پذیرفته است.

این جستار، بر آن است تا نخست آنه‌ماری شیمل را به‌عنوان یک اندیشمند معاصر که در شناساندن جهان اسلام، مذهب تشیع و عرفان گام مؤثری برداشته است، معرفی کند. سپس به بررسی تذکره‌الاولیاء و کتاب بوستان معرفت پرداخته و وجوه شباهت و تمایز آثار یادشده را نشان دهد. بدیهی است که برای تحقق این مهم ساختار و نیز محتوای دو کتاب مورد توجه قرار می‌گیرد.

واژه‌گان کلیدی: آنه‌ماری شیمل، عطار، تعامل ادبی، عرفان، تذکره‌الاولیاء و بوستان معرفت.

مقدمه

کاتارینا ممزن می‌گوید: «انسان‌هایی که به‌راستی بزرگانند؛ خواهان رویارویی راستین با فرهنگ‌های دیگرند» (ممزن، ۲۰۱۲: ۳۸). میان ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون همواره هم‌اندیشی ادبی - علمی بوده است. این مهم، در تاریخ ادبیات آلمانی پدیده‌ای تازه محسوب نمی‌شود. در دوره رمانتیک، بسیاری از ادیبان آلمانی، بر این باور بودند که شرق خاستگاه اصلی فرهنگ‌های اروپایی است و هویت و ریشه تمدن خود را در آثار شرقی جست‌وجو می‌کردند. آنان با این نگرش، به استقبال آثار شاعران و نویسندگان شرقی می‌رفتند و به‌راستی از ابتدای قرن نوزدهم؛ مشرق‌زمین، مدینه فاضله مشتاقان ادبیات گشت (نک سیندرام، ۱۹۸۹: ۳۳۳). در این رابطه «فریدریش اشلگل»^۱، منتقد و نظریه‌پرداز دوره رمانتیک می‌گوید: «والا ترین عنصر رمانتیک، در شرق وجود دارد» (اشلگل در شیمل، ۱۹۹۰: ۵۵۱).

نخستین سنگ بنای هم‌اندیشی ادبی بین‌فرهنگی، به‌دست توانای گوته و با آفرینش دیوان شرقی - غربی صورت پذیرفت که بارزترین نمونه الهام‌پذیری در زمینه ادبیات فارسی - آلمانی به‌شمار می‌رود. هم او بود که برای نخستین بار واژه «ادبیات جهانی»^۲ را خلق کرد. گوته برای نیل به هدف خود، یعنی تحقق انگاره ادبیات جهانی، تلاش کرد تا حد ممکن به‌سیر در فرهنگ‌ها و ادبیات کشورهای مختلف پردازد (نک حدادی، ۱۳۹۸: ۱۰۷). پیش از گوته، معلم و دوست او، «یوهان گتفرید هردر»^۳ عقاید خود را در ارتباط با «فرهنگ جهانی» اظهار کرده بود. وی در کتاب «نامه‌هایی برای گسترش اومانیسیم» به این نتیجه می‌رسد که ملت‌ها باید در کنار یکدیگر زندگی کنند و نه بر فراز یکدیگر که دیگران را تحت فشار قرار دهند. او خواستار «همکاری فرهنگی جهانی» بود (نک فلکی، ۲۰۱۳: ۱۲۸ - ۱۲۷). پس از این دو اندیشمند «فریدریش روکرت»^۴ انگاره «تنها شعر جهانی، صلح جهانی است» را مطرح می‌کند (روکرت در پرانگ، ۱۹۶۳: ۱۴۷). رجائی درباره روکرت می‌گوید: «اندیشه شعر جهانی با صلح جهانی ارتباط دارد؛ همان چیزی که روکرت مشتاق آن بود و به آن خدمت کرده بود. همان چیزی که به‌دست آوردن آن تنها از طریق صحبت ملت‌ها با یکدیگر میسر می‌باشد» (رجائی، ۲۰۱۶: ۱۳۰). روکرت و هردر، هر دو بر این عقیده بودند که شعر و ادبیات راهی است برای شناخت بهتر اقوام و ملل دیگر.

^۱ Friedrich Schlegel (1772-1829)

^۲ Weltliteratur

^۳ Johann Gottfried Herder (1744-1803)

^۴ Friedrich Rückert (1788-1866)

آنهماری شیمل ادامه دهنده انگاره «جهان‌شمولی اندیشه» طبق باور این سه‌متفکر بزرگ بود. در واقع، روکرت و گوته تاثیر فراوانی بر گرایش دینی این اسلام‌شناس معاصر آلمانی داشته‌اند (نک اخگری، ۱۳۸۳: ۱۰). او از سویی در چارچوب و سنت شرق‌شناسی دیرین گام برمی‌داشت، اما از سویی دیگر پژوهشگری در عصر جدید بود و از امکانات بسیاری که برای وی وجود داشت، به‌نحو احسن استفاده می‌کرد. بسیاری از شرق‌شناسان دوره رمانتیک، حتی به کشورهای شرقی سفر نکرده بودند، اما برای شیمل به‌یمن گستردگی ارتباطات و پیشرفت‌های تکنیکی در عصر حاضر، محدودیت خاصی وجود نداشت. به‌راستی کمتر کسی در دنیای معاصر غرب توانسته است مانند آنهماری شیمل درباره دین اسلام، عرفان اسلامی و مبانی آن پژوهش‌هایی گسترده انجام دهد. نگاهی بر زندگی پربار و آثار او نشان می‌دهد که بیشتر تحقیقاتش، درباره اسلام و عرفان است. اشتیاق ویلد در این رابطه می‌نویسد: «هدف پژوهش‌های آنهماری شیمل که تا آخر عمر وی ادامه یافت، آن بود که ترتیبی دهد تا فرهنگ اسلامی که در آثار ادبی و عرفانی تجلی یافته بود تنها در دسترس متخصصان این رشته نماند، بلکه آن را به‌دیگر افراد تحصیل‌کرده و روشنفکر در اروپا و آمریکا معرفی کند تا ایشان بتوانند از این طریق به‌درک عمیق‌تری از دین اسلام نایل آیند» (ان د ب). به‌جرات می‌توان گفت که شیمل نام‌آورترین اسلام‌پژوه و شرق‌شناس معاصر است که با آثار خود به‌ویژه در زمینه اسلام‌شناسی و عرفان شهرت جهانی یافت. او موفق شد بیش از صد مقاله و کتاب در این باره تدوین کند. شیمل می‌گوید: «تمام عمر کوشیدم تا فرهنگ اسلامی را در غرب، بهتر معرفی کنم و نیز فرهنگ کلاسیک مغرب‌زمین را به‌شرقیان بشناسانم» (اخگری، ۱۳۸۳: ۱۴). وی در ایران نیز چهره‌ای شناخته‌شده دارد. تعدادی از مقالات و کتاب‌های او به‌فارسی ترجمه شده که این خود نشان‌دهنده اهمیت این آثار است. ترجمه نیز از زمینه‌های کاری این شرق‌شناس محسوب می‌شد. وی از فارسی، عربی، ترکی، اردو و زبان‌های خارجی دیگر، ترجمه‌هایی ارائه داده است که به‌شبهه و نوع ترجمه فریدریش روکرت شباهت دارد (نک بهجت ۱۳۹۸: ۱۶۳). «وی هیچ مؤسسه علمی را بنیانگذاری، با این وجود در سراسر جهان اسلام از اعتبار و احترام خاصی برخوردار بود و در آن جا مورد قدردانی و سپاس قرار می‌گرفت» (همان: ۱۶۴). او حتی غزل‌های بسیاری را با الهام از مضامین جلال‌الدین محمد رومی سرود و آن‌ها را تحت مجموعه‌ای به‌نام «نوای نی»^۱ منتشر کرد.

^۱ *Lied der Rohrflöte*

از برجسته‌ترین آثار شیمل می‌توان به *بوستان* معرفت اشاره کرد که در آن به استقبال از *تذکره‌الاولیاء* عطار نیشابوری رفته است. جستار پیش رو می‌کوشد هم‌انگاری این دو اثر بزرگ را بررسی کند. در این راستا نخست برای آشنایی هرچه بیشتر، به زندگی‌نامه و آثار شیمل نگاهی گذرا می‌افکنیم. سپس به ویژگی‌های دو کتاب *بوستان* معرفت و *تذکره‌الاولیاء* پرداخته و سرانجام، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها شرح داده می‌شود.

بایسته یادآوری است که پیش از این، پژوهش‌های ارزنده‌ای در زمینه هم‌کنشی بین‌فرهنگی ایران و آلمان، صورت پذیرفته است. از این میان می‌توان به کتاب‌های «گفتمان ادب و فرهنگ پارسی در آلمان»^۱ نوشته حمید تفضلی و «ارمغان شرق» اثر حمیده بهجت و مقاله‌های «تأثیرات شرقی بر ادبیات آلمانی»^۲ نوشته آنه‌ماری شیمل، «بازتاب ادبیات شرقی در آلمان»^۳ پژوهش علی رجائی و «نفوذ شرق در زبان و ادبیات آلمانی»^۴ اثر نرجس خدایی اشاره کرد. نیز در باره آنه-ماری شیمل، هرچند برخی از کتاب‌های وی به فارسی برگردانده شده، اما تحقیقی روشمند بر آثار او انجام نشده است. از این رو، پژوهشی تطبیقی ضروری می‌نمود.

۱- آنه‌ماری شیمل

آنه‌ماری شیمل در هفتم آوریل سال ۱۹۲۲ میلادی در ارفورت آلمان دیده به جهان گشود. وی در کودکی، بر خلاف جو حاکم در آن زمان، علاقه‌ای وافر به فراگیری زبان‌های شرقی مانند عربی، ترکی و فارسی داشت و به پژوهش در زمینه دین و فرهنگ اسلامی روی آورد. او در دانشگاه برلین رشته اسلام‌شناسی را برگزید و در سال‌های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۶ از دانشگاه ماربورگ^۵ مدرک دکترا و فوق دکترا خود را در همان رشته دریافت کرد. شیمل دکترای دیگر خود را در زمینه تاریخ ادیان با موضوع «پژوهشی درباره مفهوم واژه عشق عرفانی در عرفان اسلامی دوران آغازین»^۶ در سال ۱۹۵۴ دریافت نمود. او به‌عنوان یک‌پروفسور اسلام‌شناس و عرفان-پژوه، در رشته‌هایی متعدد از جمله عربی، اسلام‌شناسی و تاریخ ادیان در دانشگاه‌های بسیاری به تدریس پرداخت تا جایی که نه تنها در شهرهای آلمان مانند بن^۷ و ماربورگ^۸ تدریس می‌کرد،

^۱ *Der deutsche Persien-Diskurs*

^۲ *Orientalische Einflüsse auf die deutsche Literatur*

^۳ *Die Rezeption orientalischer Poesie in Deutschland*

^۴ *Eindringen des Orients in den deutschen Sprachraum*

^۵ Marburg

^۶ *Studien zum Begriff der mystischen Liebe in der frühislamischen Mystik*

^۷ Bonn

^۸ Marburg

بلکه در سال ۱۹۶۷ به دانشگاه هاروارد آمریکا فراخوانده شد تا به تدریس در رشته فرهنگ هند و مسلمانان^۱ پردازد (نک ویلد، ۲۰۰۳: ۱۳۵). افزون بر آن، وی نخستین زن غیرمسلمان بود که در سال ۱۹۵۴ به عنوان استاد تاریخ ادیان در دانشکده الهیات اسلامی دانشگاه آنکارا به زبان ترکی تدریس کرد. او به بسیاری از کشورهای اسلامی سفر کرد؛ از جمله در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۶ به ایران آمد. برای وی مراسم تقدیری برپا شد و از دانشگاه تهران دکترای افتخاری دریافت داشت. آنهماری شیمل پس از گذران عمری پربار و تأثیرگذار، سرانجام در بیست و ششم ژانویه سال ۲۰۰۳ در بن آلمان چشم از دنیا فرو بست.^۲

شیمل آثار بسیاری دارد، از جمله آثار مهم وی می‌توان عناوین زیر را نام برد: محمد (ص) پیامبر او است؛ مولانا: من نسیم هستم و تو آتش؛ ابعاد عرفانی اسلام؛ تاریخ تصوف/اسلام و مقدمه و شرح قرآن، ترجمه: ماکس هنینگ. همچنین وی متون پیچیده عرفانی و ادبی بسیاری را از عربی، فارسی، ترکی، اردو، پشتو و سیندی به زبان آلمانی و انگلیسی ترجمه کرد. نقطه قوت ترجمه‌های وی، شناخت دقیق این آثار محسوب می‌شود (نک همان). مروری بر عناوین آثار این نویسنده و مترجم توانا نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها در زمینه اسلام و عرفان است. افزون بر کتاب بوستان معرفت که با الهام از تذکره‌الاولیاء نگاشته شده، آثار دیگر شیمل نیز تحت تأثیر ادبیات شرقی شکل گرفته‌اند.

۲- رویارویی شیمل با عطار و کتاب تذکره‌الاولیاء

بایسته یادآوری است که شیمل در سه مورد به استقبال تذکره‌الاولیاء رفته است: نخست آن را به عنوان منبع، استفاده کرده، دوم از ساختار، سبک و شیوه نگارش این کتاب در اثر خود الهام پذیرفته و سوم یکی از بخش‌های کتاب بوستان معرفت را به شیخ فریدالدین عطار اختصاص داده است (نک شیمل ۱۹۸۲: ۱۲۹-۱۱۹). در واقع او این شاعر مشهور را جزو عارفان نامی ایران محسوب کرده و این خود مهر تأییدی است بر گرامیداشت عطار از سوی این عرفان‌پژوه آلمانی. از سویی جهان‌شمول بودن شیمل موجب علاقه وی به آثار شرقی و نیز این کتاب عطار شده و از سویی دیگر بن‌مایه‌های موجود در کتاب‌های عطار به نگرش جهان-شمول او اشاره دارد و مورد توجه نویسندگان دیگر قرار گرفته است (نک سلیمی کوچی و

^۱ Indo Muslim Culture

^۲ بخش آنهماری شیمل بر اساس اطلاعات آن د ب (بیوگرافی جدید آلمان) تنظیم شده است. URL: <https://www.deutsche-biographie.de/pnd11916910X.html#ndbcontent> {Stand: 21.07.2018}

قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۴۲۱). اکنون بینیم از دریچه چشم شیمیل، عطار چگونه ترسیم شده است. وی نخست در دو صفحه به شرح کوتاهی درباره زندگی و آثار عطار می‌پردازد. سپس در نه صفحه بخش‌هایی از *الهی‌نامه* و *مصیبت‌نامه* او را به زبان آلمانی می‌آورد. شیمیل می‌گوید: «عطار خود را به‌عنوان «صدای اشتیاق» یا «ندای دلتنگی» قلمداد می‌کرد و در واقع در تمامی آثارش اشتیاقی بی‌نهایت مشاهده می‌شود» (۱۹۸۲: ۱۲۰). شغل او به‌عنوان عطار، به‌او این فرصت را داد تا به‌جان انسان‌ها نفوذ کند و شخصیت‌هایی بسیار واقعی بیافریند. نیز مدح‌هایی که وی در آغاز حماسه‌هایش درباره خداوند می‌آورد از اهمیت بسیاری برخوردارند. بیشتر مطالبی که شیمیل نقل می‌کند، درباره آثار عطار است. وی هر یک از کتاب‌های *منطق‌الطیر*، *الهی‌نامه*، *مصیبت‌نامه* و *اشترنامه* را در چند سطر توضیح می‌دهد و سپس از سبک هنری وی سخن می‌گوید. نیز به حکایت‌های او که برخلاف حکایات سنایی و مولانا کوتاه است، اشاره می‌کند. در همین بخش، *تذکره الاولیاء* را به‌عنوان مجموعه‌ای مهم از روایاتی درباره اولیاء توصیف می‌کند و بر این باور است که این اثر به‌سببکی ادبی نگاشته شده که بر نسل‌های پس از آن بسیار تأثیرگذار بوده است (نک شیمیل، ۱۹۸۲: ۱۲۰-۱۱۹). اکنون، به توضیحی اجمالی درباره دو اثر *تذکره الاولیاء* و *بوستان معرفت* می‌پردازیم. نخست، به دلیل تقدم تاریخی، اثر عطار نیشابوری و سپس کتاب آنه‌ماری شیمیل معرفی می‌شود.

۳- تذکره الاولیاء

این شاهکار را عارف نامدار اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم، شیخ فریدالدین محمد کدکنی نیشابوری معروف به عطار نگاشته شد. «زندگی عطار، در میان بزرگان فرهنگ ایران، ناشناخته‌ترین زندگی است؛ زیرا از جزئیات زندگی شخصی او تقریباً هیچ اطلاعی در دست نیست» (شفیعی کدکنی در عطار، ۱۳۹۷: بیست و چهار). حتی در تاریخ تولد و وفات وی اختلاف است، هرچند برخی در این زمینه نقطه‌نظرهایی دارند (نک حلبی، ۱۳۸۵: ۴۶۷). از آثار و مقدمه کتاب *تذکره الاولیاء* این عارف وارسته، چنین برمی‌آید که او ایمانی عاشقانه داشته و به‌مصلحت حال عمل می‌کرده است (نک همان: ۴۷۲). شفیعی کدکنی او را یکی از سه ضلع مثلث شعر عرفانی فارسی می‌داند و می‌گوید: «عطار به‌لحاظ عرفان - که نگاه هنری به‌دین است - اوج یکی از سه قله شعر عرفانی است در کنار سنایی و مولانا» (شفیعی کدکنی در عطار، ۱۳۹۷: بیست و چهار و بیست و پنج).

عطار تذکره *الاولیاء* را در شرح زندگی و احوال هفتاد و دو نفر از عارفان مسلمان نوشته

است که با شرح زندگانی حضرت صادق(ع) شروع می‌شود و با شرح احوال حلاج پایان می‌یابد. قابل مذاقه است که به‌مرور، نسخه‌برداران و کاتبان پس از عطار، زندگی‌نامه برخی از بزرگان و مشایخ صوفیه را به‌این کتاب افزوده‌اند و تذکره الاولیاء حاضر، شرح حال نود و هفت تن را شامل می‌شود که حضرت باقر(ع) آخرین ایشانند. هر بخش به‌معرفی یک عارف پرداخته و نه تنها بخش‌هایی از زندگانی، بلکه کرامات ایشان را توصیف می‌کند تا جایی که شاید بتوان این اثر را به‌دایرة‌المعارف عارفان تشبیه کرد. عطار در مقدمه‌اش می‌گوید کتابش مجموعه‌ای است از روایات و مطالبی که در کتاب‌های دیگر نوشته شده بودند. بنا بر گفته عطار، وی بر نقش تعلیمی و هدایت‌کننده این روایات تأکید می‌کرده است. این کتاب در واقع ترجمه‌ای است از متون عربی مانند *اللمع ابونصر سراج* یا *طبقات الصوفیه سلمی* (همان: سی- ویک). فهم این اثر گاهی بسیار دشوار است. شفیع‌ی کدکنی معتقد است «درست است که اینجا قلمرو زبان ارجاعی و بیان منطقی نیست، اما در همین زبان عاطفی و هنری هم؛ ظرایفی وجود دارد که فهم آن ظرایف، گاه به‌اندیشیدن بسیار نیاز دارد و به‌دانشته‌های بسیاری در حوزه معارف اسلامی» (همان: سی). در باره *تذکره الاولیاء* نمی‌توان از سبکی واحد سخن گفت. عطار بدون رعایت نظم و ترتیب، مشایخی را که با یکدیگر ارتباط معنوی دارند، پشت سر هم می‌آورد (همان: شصت و هشت) که معمولاً شرح حال هر یک از ایشان، با چند جمله مسجع که معرف درجه او در تصوف است، آغاز می‌شود. بعد از آن، حکایت‌هایی شگفت آورده می‌شود و سپس عطار آن‌ها را با اندیشه‌های عرفانی خود مرتبط ساخته، مطابق باورهایش نتیجه‌گیری می‌کند (نک حلی، ۱۳۸۵: ۴۷۳). او چنان شاهکاری به‌وجود آورده است که در تمدن اسلامی همتایی ندارد.

۴- بوستان معرفت

به‌بوستان معرفت می‌توان از سه دیدگاه نگریست: نخست، نگاهی کلی به کتاب. دوم، ساختار اثر و سوم، محتوای آن. در نگاهی اجمالی به‌اثر، آنچه تأمل برانگیز است، نام آن می‌باشد. شیمل کتاب خود را *بوستان معرفت (Gärten der Erkenntnis)* نامیده است. واژه معرفت (*Erkenntnis*) که از مصدر (*erkennen*) در زبان آلمانی مشتق شده، به‌معنی «شناختن عمیق» است که مترادف با واژه لاتین گنوزیز (*Gnosis*) در متون عرفانی کاربرد دارد. مشاهده می‌شود که این شرق‌شناس در انتخاب عنوان و تلفیق دو واژه بوستان و معرفت از تشبیهات متداول در زبان فارسی استفاده کرده است. لازم به توضیح است که عنوان دوم این اثر در چاپ

نخست، در سال ۱۹۸۲ «متن‌هایی از عرفان اسلامی» بود که در سال‌های بعد این عنوان به «کتاب چهل صوفی» تغییر یافت. بدیهی است عنوان اخیر بیشتر با محتوای اثر تناسب دارد. آنه‌ماری شیمیل کتاب خود را در مقدمه، این‌گونه معرفی می‌کند: «گزیده پیش رو، یک گلچین محسوب می‌شود و فراتر از آن رفته، گردشی در میان باغ‌های عرفان است و ما می‌کوشیم گوشه‌هایی از یک پدیده را آشکار کنیم که بی‌انتها است» (۱۹۸۲: ۹).

باید این نکته را در نظر داشته باشیم که مخاطبان و خوانندگان شیمیل چه کسانی‌اند و او اصولاً با چه هدفی کتاب خود را تدوین نموده است. نویسنده بوستان معرفت می‌خواهد «پدیده‌ای بی‌انتها» را برای مخاطبانی که یا از عرفان اسلامی بی‌اطلاع‌اند، یا آگاهی کمی دارند، شرح دهد. شیمیل کوشیده در مقدمه کتابش درباره عرفان؛ شرحی جامع ارائه دهد. برای این مهم، او نخست به شکل موجز «عرفان» و «تصوف» را شرح داده و سپس به معرفی عارفان بنام و نیز آثاری که در این رابطه به وجود آمده‌اند، می‌پردازد. همچنین درباره معنی عشق در تصوف، سیر و تطور عرفان و شاخه‌های مختلف تصوف سخن گفته و ارتباط تصوف با نوافلاطونی‌ها و هلنیسم را شرح می‌دهد. این شرق‌شناس، به نام‌آورترین عرفا مانند: شیخ اشراق یا سهروردی، برادران غزالی و عین‌القضاة همدانی اشاره می‌کند و به مولانا، عطار، سنایی و جامی هم یک‌بخش کامل را اختصاص می‌دهد. وی حتی به زمان حال هم گوشه‌چشمی دارد و عارفه‌ای معاصر را که اهل ترکیه بوده، معرفی می‌نماید.

می‌توان بوستان معرفت را کتابی علمی به‌شمار آورد. یکی از مواردی که جنبه علمی این کتاب را پررنگ می‌کند، آوردن مقدمه‌ای جامع در آغاز کتاب و توضیحات بسیاری است که در پاورقی آمده و کمک فراوانی به خوانندگانی می‌کند که با دین اسلام آشنایی ندارند. برای نمونه می‌توان به توضیحات نویسنده درباره این واژگان تخصصی اشاره نمود: شرک، نیت و رکعت. یکی دیگر از این موارد اطلاعات دقیق تاریخی است که او در اختیار خواننده قرار می‌دهد. این اطلاعات اگرچه کم‌اند، اما همان‌اندک، به غنای اثر افزوده است. نیز نویسنده تمام اطلاعات موثقی را که درباره سال تولد و وفات عرفا می‌داند، بیان می‌کند تا جنبه علمی کار خود را گسترش دهد. بایسته یادآوری است که در تاریخ ادبیات آلمانی، ادبیات مذهبی که برای عموم مردم نوشته می‌شد و هدف آن کمک و تقویت روحی انسان‌ها بود، جایگاه ویژه‌ای داشت و به آن در اصطلاح «ادبیات ارباوونگ» (Erbauungsliteratur) می‌گفتند. مترادف این واژه در زبان فارسی، «ادبیات تهذیبی» است. واژه «ارباوونگ» از مصدر «ارباون» (erbauen) مشتق شده که به معنای «برپا کردن، آباد نمودن و سازندگی» است. به معنای مجازی آن «تزکیه، تهذیب،

اعتلای معنوی و دلگرمی دادن» است. نیز می‌توان به آن «ادبیات تهذیبی تسلی‌بخش» اطلاق کرد (نک بهجت، ۱۳۷۷: ۳۶). در ادبیات ارباوونگ گونه‌های مختلفی به‌وجود آمد. یکی از آن‌ها «تذکره‌ها» بود که با الهام از سبک روایی کتب عهد عتیق و عهد جدید نوشته شدند و «سرگذشت قدیسان»^۱، «زندگی‌نامه شهدا»^۲ و «تذکره رهبانان»^۳ را شامل می‌گشتند. مهم‌ترین نوع این ادبیات، سرگذشت قدیسان است. این آثار بازگوکننده وقایع تاریخی در زندگی قدیسان نیستند، بلکه کارهای خارق‌العاده یا در اصطلاح «کرامات» ایشان را به‌تصویر کشیده و توصیف می‌کند (نک همان: ۲۶). تأثیر عرفان در کتاب‌های ارباوونگ از قرن دوازدهم میلادی دیده می‌شود و بعد از عصر اصلاحات مذهبی نیز کتاب دعاهایی که موضوع آن‌ها آلام حضرت مسیح (ع) است تحت تأثیر عرفان کاتولیکی ترویج می‌یابد (نک همان: ۲۷ و ۳۰). بنابر آنچه گفته شد، کتاب بوستان معرفت را می‌توان در زمره ادبیات ارباوونگ آلمانی قرار داد.

شیمل در پایان مقدمه کتابش می‌نویسد که شاید تنوع متون به‌خواننده امکان انتخاب یکی از گونه‌های تصوف را بدهد و اضافه می‌کند: «راه‌های رسیدن به‌خداوند مانند نفس‌های انسان‌هاست» او سپس در قالب شعر می‌گوید: «در همه‌چیز شاهدهی وجود دارد که اشاره به‌آن دارد که او یکی است» (شیمل، ۱۹۸۲: ۱۶).

آنه‌ماری شیمل در اثر خود به‌معرفی عرفای مسلمانی که اهل ایران، هند، افغانستان، پاکستان، ترکیه، عراق و مصرند، می‌پردازد. هفت تن از عارفانی که وی درباره آن‌ها شرح می‌دهد، در کتاب عطار نیز آمده‌اند. اینان بقرار زیرند: رابعه عدویه، ذوالنون مصری، بایزید بسطامی، حسین بن منصور حلاج، ابوبکر شبلی، ابوعبدالله بن خفیف و ابوالحسن خرقانی. به‌جز این هفت تن، ذکر کسان دیگری نیز در کتاب بوستان معرفت آمده است که برای ما ایرانیان نام‌آشنا نیستند: عبدالله انصاری، ابوحامد غزالی، عین‌القضاة همدانی، شهاب‌الدین یحیی سهروردی، روزبهان بقلی، محی‌الدین عربی، فخرالدین عراقی، محمود شبستری، ابوالمجد مجدالدین سنایی، فریدالدین عطار، جلال‌الدین رومی و عبدالرحمن جامی.

برخی از بخش‌هایی که شیمل مستقیم از متن اصلی تذکره‌الاولیاء برداشت کرده، در واقع ترجمه بسیار زیبایی از این اثر است. باید گفت لازمه ترجمه ادبی، داشتن استعداد و مهارتی خاص است (نک کمالی و سایر ۱۳۹۸: ۵۴۶). افزون بر آن، شیمل فرهنگ اسلامی و ادبیات

^۱ Heiligenlegenden

^۲ Märtyrerberichte

^۳ Mönchsviten

عرفانی را می‌شناخت. او توانسته است متن فارسی را که نثر مسجع است، در زبان آلمانی نیز به نثر مسجع برگرداند. به راستی باید اقرار کرد که وی توانایی بسیاری در ترجمه متن‌های مشکل و پیچیده دارد. نمونه زیر که در وصف رابعه در تذکره الاولیاء آمده و او به زبان آلمانی برگردانده، هنر ترجمه بسیار خوب او را نشان می‌دهد:

«آن مخدره خدر خاص، آن مستوره ستر اخلاص، آن سوخته عشق و اشتیاق، آن شیفته قرب و احتراق، آن ثانیه مریم صفییه، مقبول رجال، رابعه العدویه...» (عطار، ۱۳۹۷: ۷۷).

“Jene vom Schleier der Elite Verhüllte, jene vom Vorhang der Aufrichtigkeit Verschleierte, jene von Liebe und Sehnsucht Verbrannte, jene in Nähe und Glühen Bekannte, jene in Vereinigung Verschwundene, jene von den Männern Angenommene, die zweite Maria die Reine...” (Schimmel 1982: 18).

شرح زندگی رابعه عدویه در بوستان معرفت در چهار صفحه و در تذکره الاولیاء در چهارده صفحه آمده است. چند سطر نخستین، به همان ترتیب در بوستان معرفت شده و روایت هفتم، چهلم، پنجاهم و پنجاه و یکم که در کتاب عطار (ص ۷۹-۸۰) آمده، در بوستان معرفت نیز نقل شده است (شimmel، ۱۹۸۲: ۲۱-۱۹). نیز می‌توان به برداشت شimmel از بخش ابوالحسن خرقانی در تذکره الاولیاء اشاره کرد. شرح زندگی این عارف در اثر عطار حدود پنجاه و شش صفحه است، اما او در کتاب خود تنها سه صفحه درباره وی می‌نویسد. در همین نوشتار، او روایت‌های چهارم، سی‌ام و سی‌ویکم را به‌طور مستقیم از تذکره الاولیاء نقل می‌کند. برای نمونه روایت سی‌ام درباره ابوالحسن خرقانی از کتاب عطار و سپس ترجمه آن به قلم شimmel در زیر آمده است:

«نقل است که چهل سال سر شیخ، به بالین نرسید و گفت: چهل سال، نماز بامداد بر وضوی نماز خفتن کردم. ناگاه بالش خواست. اصحاب شاد شدند. گفتند: شیخا! چه افتاد؟ گفت: بوالحسنو استغنا و بی‌نیازی خدای بدید امشب» (عطار، ۱۳۹۷: ۷۲۷).

“Charaqani legte seinen Kopf vierzig Jahre lang nicht auf ein Kissen, und während dieser Zeit verrichtete er das Morgengebet mit der Waschung des Abendgebetes. Eines Tages verlangte er plötzlich

ein Kissen. Seine Gefährten freuten sich und fragten: O Meister, was ist geschehen? Er sagte: Abul-Hasan hat letzte Nacht das Nichtbedürfen und die absolute Bedürfnislosigkeit Gottes gesehen” (Schimmel, 1982: 69).

۵- شباهت‌ها و تفاوت‌های تذکره‌الاولیاء و بوستان معرفت

باید دانست که حتی با نگاهی اجمالی ولی دقیق، شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری و محتوایی دو اثر کاملاً هویدا است. در ادامه به بارزترین آن‌ها اشاره می‌شود و قابل ذکر است که بنای مقایسه بر ایجاز خواهد بود:

۵. ۱ عطار از آوردن اسناد سر باز می‌زند. او در مقدمه می‌گوید: « و استناید را نیز بیفکنیدیم. و سخن بود که در یک کتاب نقل از شیخی بود و در یک کتاب نقل از شیخی دیگر به‌خلاف آن... آن قدر احتیاط که توانستم به‌جای آوردن، به‌جای آوردم» (عطار، ۱۳۹۷: ۵). اما شیمل به شیوه اندیشمندان غرب می‌کوشد تا مستند سخن بگوید و بر بار علمی کتاب خود بیافزاید. در واقع در مقایسه با عطار اهمیت بیشتری به مستندها و وقایع تاریخی می‌دهد. دلیل این امر، دسترسی سهل وی به منابع اصلی در سده معاصر بوده است.

۵. ۲ در تذکره‌الاولیاء معمولاً پس از مقدمه‌ای کوتاه، به شرح احوال هر عارف پرداخته می‌شود. سپس روایات، گفته‌ها و کرامات وی ذکر می‌شود. در بوستان معرفت نیز، شیمل به‌همین گونه عمل کرده است با این تفاوت که به‌جای الزام به مقدمه، خود را به‌آوردن منابع استفاده شده ملزم می‌دارد. او نیز به‌هریک از عارفان یک بخش اختصاص داده است. در هر بخش ضمن بازگو نمودن اطلاعات مختصری از زندگی آن عارف و نگرش او، آثار وی را نیز بررسی می‌کند. سپس گزیده‌ای از روایات موجود درباره آن عارف، قطعه‌هایی از اشعار و نیز سخنان قصار وی نقل می‌شود.

۵. ۳ تعداد عارفان در تذکره‌الاولیاء هفتاد و دو نفر است که از امام صادق(ع) آغاز شده و با منصور حلاج ختم می‌شود. او خود گفته است که ذکر انبیاء، صحابه و همه اهل بیت را نیاورده است زیرا کتاب از حد اختصار خارج می‌شد (نک عطار، ۱۳۹۷: ۵). اما عرفایی که شیمل به شرح حال و کار ایشان می‌پردازد چهل تن می‌باشند. وی اقرار می‌کند که این تعداد بنا بر نقشه قبلی و از پیش پرداخته نبوده، بلکه برحسب اتفاق رخ داده است و از آنجایی که عدد چهل در سنت اسلامی به‌تعداد چهل‌روز، چله‌داشتن و چهل‌مرحله که بین انسان‌ها و

خداوند حایل است، اشاره دارد، به نظر شیمیل، عددی خوب برای کتابی است که به عنوان مقدمه و مروری کلی بر عرفان محسوب می‌شود (نک شیمیل ۱۹۸۲: ۱۶).

۴.۵ زبان عطار، زبانی فخیم و پرمایه است. او قلم شیوایی دارد و نگارش دقیق و استوار وی خواننده را جذب کرده بر سر شوق می‌آورد. هرچند بیش از هشتصد سال از نگارش تذکره الاولیاء می‌گذرد، اما به جز معدودی واژگان عربی یا مهجور فارسی، باقی کلمات برای کتاب‌خوانان آشنا و آسان فهم است. شیمیل نیز تلاش می‌کند تا هرچند مطالبش برای مخاطبان بیگانه می‌نماید و درک آن‌ها چندان سهل نیست، اما زبانی ساده و آسان داشته باشد تا خواننده بیشترین بهره را ببرد. بی‌گمان دانش گسترده شیمیل در زمینه علوم اسلامی و درک وی از عرفان، به او کمک کرده تا بتواند موضوع‌های عرفانی را خوب توضیح دهد و حق کلام را ادا نماید.

۵.۵ درباره زنان، عطار در کتاب خود تنها شرح حال و زندگانی رابعه را آورده است که از «برجسته‌ترین فصل‌های» تذکره الاولیاء است، اما هنگامی که به شرح زندگی نامۀ دیگران می‌پردازد از برخی از زنان نیز سخن گفته است. شیمیل به نقش مهم زنان در عرفان اسلامی اشاره کرده و گلچین خود را با شرح احوال و زندگی رابعه عدویه آغاز نموده و با توصیف زندگانی سامحه آیوردی، عارفه اهل ترکیه، به پایان می‌برد.

۶.۵ عطار در مقدمه، برای گردآوری چنین کتابی دلایلی بسیار ذکر می‌کند. از جمله آن که بعد از قرآن و حدیث، سخنی بالاتر از سخن ایشان نمی‌یابد؛ برای این که ارواح مقدس آنان، او را مدد نمایند؛ حضور دوستانی که چنین اثری را از وی طلب می‌نمودند؛ یادگاری از وی برجا ماند تا هر که برخواند، گشایشی یابد و او را دعای خیر کند و ... (نک عطار، ۱۳۹۷: ۸ - ۴). اما شیمیل بر آن است تا گوشه‌هایی از عرفان اسلامی را برای خوانندگان اروپایی ناآشنا با این وادی، بشناساند.

نتیجه‌گیری

هنگامی که در دنیای امروز از «دهکده جهانی» سخن می‌گوییم، اندیشمندانی که میان ملت‌ها پلی ارتباطی ساخته‌اند، از ارزش والایی برخوردارند. نیز، از دیرباز تاکنون، هم‌آوایی در زمینه ادبیات، بهترین و مؤثرترین راه شناخت ملل و فرهنگ‌های متفاوت بوده است. از میان مللی که از یکدیگر تأثیر گرفته‌اند، هم‌اندیشی ادبی میان ایران و آلمان، بسیار چشمگیر است و ادیبان بزرگی که در این راه، گام برداشته‌اند شایان مذاقه‌اند. در آلمان، این

تأثیرپذیری‌های ادبی، در دورهٔ رمانتیک به نقطه اوج خود می‌رسد. متفکران، شاعران و نظریه‌پردازان این دوره، که در شرق به جست‌وجوی قبله آمال خویش بودند، به ادبیات خاورزمین گرایشی ویژه داشتند. شلگل «والاترین عنصر رمانتیک» را در شرق دید؛ گوته، با ابداع انگارهٔ «ادبیات جهانی» دیوان شرقی - غربی خویش را به همگانی که اندیشه‌ای جهان-شمول دارند، هدیه کرد و روکرت، مستشرق نام‌آور، «شعر جهانی» را «صلح جهانی» قلمداد نمود.

در عصر حاضر نیز ادیبانی بر پایهٔ همین تفکر و انگاره و تحت تأثیر ادب و شعر مشرق-زمین، آثار خود را بنا نهاده‌اند. از این میان، آنه‌ماری شیمل، اسلام‌شناس و عرفان‌پژوه آلمانی، به‌عنوان تالی اندیشمندان گذشته، تلاشی بسیار کرد تا اسلام و عرفان اسلامی را به جهانیان بشناساند. این متفکر معاصر، برای نیل به هدف راستین خویش، آثاری درخور تأمل و توجه تدوین کرد

در این جستار، کتاب بوستان معرفت وی که از تذکره‌الاولیاء عطار نیشابوری الهام پذیرفته است معرفی و بررسی شد. در این راستا، تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو اثر نمایان و واکاوی شد. دستاورد سخن این که شیمل، روند رویارویی و هم‌اندیشی ادبی ایران و آلمان را که چندی متوقف شده بود، از سر گرفت. او به‌طور کامل از عطار الهام پذیرفت و نسخه‌ای پدیدآورده شبیه به کتاب وی. تا جایی که مانند او زندگانی، کرامات و گفته‌های عارفان را شرح داد و حتی گاهی به‌طور مستقیم بخش‌هایی از تذکره‌الاولیاء را ترجمه و نقل نمود. با این تفاوت که شیمل در حجمی اندک، به تعداد عارفانی کمتر پرداخت و چون ریشه در دنیای معاصر داشت، تا می‌توانست منابع و اسناد معتبر ارایه کرد. همچنین او به عارفان هند، پاکستان و مصر نیز بخش‌هایی اختصاص داد.

منابع:

Akhgari, Mohammad. "Mahtabe gharb, Negahi be zendegi wa asare Annemarie Schimmel", *Erfan Poli Miane Farhangha, Bozorgdashte Professor Annemarie Schimmel*, vol. 2, conference proceeding, *Tehran, Moasseseh Tahghighat wa Tosee Olume Ensani*, 1383/2004, pp. 9-15.

Attare Naishaburi, *Tadkaratal Olia*, Moqaddame, Tashih wa Ta'aliqat az M.R. Shafii Kadkani, 2 vol., Tehran: Entesharate Sokhan, 1397/2018.

Behjat, Hamideh. "Adabiate Tahzibi az ghorune wosta ta gharne hefdahome miladi". *Zaban wa Adab, (Research in Contemporary World Literature / Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji)*, no. 5, 1377/1998, pp. 25-40.

_____. *Armaghane Shargh, Iran dar Ayene adabiate almani*, Tehran: Behjat, 1398/2019.

Falaki, Mahmud, *Goethe und Hafis, Verstehen und Missverstehen in der Wechselbeziehung deutscher und persischer Kultur*. Berlin: Hans Schiler, 2013.

Haddadi, Mohammad Hossein. *Jaygah-e Farhang va Adab Iran dar Ideye Adabiat-e Jahani Goethe wa Rückert (Die Stellung der iranischen Kultur und Literatur in Goethes und Rückerts Idee der Weltliteratur)*. Tehran: Entesharat-e daneshgah Tehran, 1398/2019.

Halabi, Ali Asghar. *Mabani-e Erfan va Ahwal-e Arefan*. Third edition, Tehran: Asatir, 1385/2006.

Kamali, Mahmud et al. "Barrasi wa moqayeseye tarjomeye robaiat-e Khayyam az Fitz Gerald ba tarjomeye Peter Avery wa John Heath-Stubbs." *Pazhouhesh-e Adabiat-e Moaser-e Jahan [Research in Contemporary World Literature/ Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 24, no. 2, 1398/2019, pp. 543-563.

Mommsen, Katharina. *Orient und Okzident sind nicht mehr zu trennen, Goethe und die Weltkulturen*. Göttingen: Wallstein, 2012.

Prang, Helmut. *Friedrich Rückert, Geist und Form der Sprache*. Schweinfurt & Wiesbaden: Selbstverlag der Stadt Schweinfurt in Kommission bei Otto Harrassowitz, 1963.

Radjaie, Ali. *Einführung in die deutsche Literatur, von den Anfängen bis Ende Romantik*. Arak: Payame Digar, 2016.

Salimi Kouchi, Ebrahim, Niku Qhasemi Esfahani. "Barrasie Beynamatni Haft Vadi-e Eshq-e *Mantiq-ut-Tayr* Attar dar *Marde Nimtaneh va Mosaferash* az André Chédid". *Pazhouhesh-e- Adabiat-e- Moaser-e- Jahan [Research in Contemporary World Literature/ Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 24, no. 2, 1398/2020, pp. 543-563.

Schimmel, Annemarie. "Orientalische Einflüsse auf die deutsche Literatur", in: Norbert Altenhofer (Hrsg.). *Neues Handbuch der Literaturwissenschaft, Orientalisches Mittelalter*, Wiesbaden: AULA-Verlag, Bd. 5, S. 1990, pp. 546-562.

Schimmel, Annemarie. *Gärten der Erkenntnis, Texte aus der islamischen Mystik*. übertragen von Annemarie Schimmel, Düsseldorf; Köln: Eugen Diederichs Verlag, 1982.

Syndram, Karl Ulrich. "Der erfundene Orient in der europäischen Literatur vom 18. bis zum Beginn des 20. Jahrhunderts", Gereon Sievernich und Hendrik Budde (Hrsg.). *Europa und der Orient 800-1900*, Berliner Festspiele, Berlin: Bertelsmann Lexikon Verlag S. 1989, pp. 324-341.

Wild, stefan, "In Memoriam Annemarie Schimmel". *Die Welt des Islams*, New Series, Vol. 43, Issue 2, Brill, 2003, pp. 131-142.

منابع دیجیتال

NDB= URL: <http://www.deutsche-biographie.de/ppn118540238.html>